



برکر سزان

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

برگزیزان

سرشناسه	: اسلامی، ندوشن، محمدعلی، ۱۳۰۴
عنوان و نام پدیدآور	: برگریزان / محمدعلی اسلامی ندوشن
مشخصات نشر:	: تهران، یزدان، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۱۷۲ ص
شابک	: ۱۲۰۰۰۰ ریال؛ ۰-۳۸-۶۵۴۵-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: مقاله‌های فارسی - - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ب ۴ / ۸۹ س / PIR ۷۹۵۳
رده‌بندی دیوبی	: ۴/۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۰۶۳۰۶



برگریزان

نام کتاب	: برگریزان
نویسنده	: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
نوبت چاپ	: اول
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار	: ۱۳۹۴
حروف‌نگاری جدید	: مؤسسه مه‌راد
لیتوگرافی و چاپ	: گل‌بان
صحافی	: سعید
شابک	: ۰-۳۸-۶۵۴۵-۹۶۴-۹۷۸
قیمت	: ۱۴۰۰۰ تومان

انتشارات یزدان: تهران- بلوار کشاورز- شماره ۲۲۰- تلفن: ۸۸۹۶۶۶۱۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه

- اشاره..... ۵
- برخی از ویژگی‌های تاریخ ایران ۷
- تأملی دربارهٔ صلح و تکامل انسانی ۱۷
- این «ایرانی» که ما می‌شناسیم..... ۲۹
- زبان فارسی..... ۳۵
- ز نیرو بود مرد را راستی..... ۴۹
- کاروان در کاروان ۵۳
- فراز و فرود جهان امروز..... ۶۱
- نقش خرافه در زندگی ۶۷
- به ایران بیندیشیم ۷۳
- شیخ اجل بر سر دو راهی..... ۷۹

۸۷	جهان سردرگم
۹۵	کفر و دین
۹۹	سایه روشن‌های باغ «آرزو»
۱۰۵	کتاب
۱۰۷	نامه به فرزند
۱۲۳	یک گفت و شنود
۱۲۵	بار دیگر برخیزیم
۱۳۵	در چند و چون زبان، ادب و فرهنگ فارسی
۱۵۳	چند یادداشت
۱۶۳	سفرهای فرهنگی نویسنده
		آثار دیگر نویسنده

اشاره

هیچ راهی نیست کاو را نیست پایان غم مخور

«حافظ»

نام این کتاب را «برگریزان» نهادیم، زیرا بوی پائیز از آن می آید و به احتمال زیاد آخرین کتابی است که از این نویسنده به انتشارگذارده می شود. «برگریزان» فصل خزان است، در عین حال فصل میوه نیز هست؛ چه، در این فصل است که هر درخت بار خود را بر زمین می گذارد. هرکسی در زندگی تکیه گاهی می جوید تا بتواند بر روی خاک تعادل خود را حفظ کند. برای من این تکیه گاه قلم بود، و در مصاحبت آن ساعت های سرشاری را گذراندم.

روزی جوانی نزد من آمد و گفت من سه بار قصد خودکشی کردم و مرا نجات دادند. بعد با نوشته های شما آشنا شدم، و دیگر تصمیم

دارم که این کار را تکرار نکنم. حرف این جوان برای من خوشترین
اجری بود که از قلم خود می‌گرفتم.

اکنون در این «برگریزان» عمر وقت آن است که از خوانندگان وفادار
خود سپاسگزاری و خداحافظی کنم. کسانی که طیّ بیش از پنجاه
سال با آنها دست در دست، روان به سوی امید و انتظار بوده‌ایم، در
جست‌وجوی فردائی روشن‌تر، و هنوز هم در راهیم.
با این همه، در این روزگار بی‌فریاد به همراه حافظ بگوئیم.

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید

هیچ راهی نیست کاو را نیست پایان غم مخور

م.ع.الف.ن

دی ۱۳۹۴

برخی از ویژگی‌های تاریخ ایران^۱

می‌توان گفت که ایران ویژگی‌های خاص خود را دارد. موقعیت جغرافیائی این کشور سرنوشتی بی‌همتا برایش رقم زده است. نخست آن‌که شکل‌گیری این کشور با یک اشغال آغاز شد و او از آن زمان تا کنون برای حفظ یک‌پارچگی و استقلال خود لحظه‌ای از تلاش باز نایستاده است.

همان‌گونه که می‌دانیم آریائی‌ها بین سه تا چهار هزار سال پیش به سرزمین‌هایی که امروزه نام‌های اروپا، ایران و هند بر خود دارند روی آوردند و در این سرزمین‌ها ماندگار شدند و سپس تمدنی عظیم بنیاد نهادند. آنان به نیروی جسمانی‌شان و قدرت روحی‌شان ممتاز بودند و به تدریج نیمی از جهان شناخته شده آن روزگار را تحت سلطه و اختیار خویش گرفتند.

۱. این سخن‌رانی برای دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران در ساختمان وزارت امور خارجه در نیاوران ایراد گردید.

ایرانیان پروردهٔ این اندیشه و این باور اعتقادی بودند که همواره نیکی بر بدی غلبه خواهد کرد و کشور آنان، «سرزمین برگزیده» است، سرزمینی که پیروزی نیکی بر بدی در سرنوشت اوست و شاهنامه، حماسهٔ بزرگ ایرانی، به این نکته به روشنی می‌پردازد.

برخی ویژگی‌های خاص این کشور را این‌گونه می‌توان برشمرد:

۱. در مرکز نیم کرهٔ شمالی جای دارد. فاصلهٔ آن از اقیانوس آرام از سوی شرق، کم و بیش برابر با فاصله‌اش با اقیانوس اطلس از سوی غرب است. به همین روی قبل از کشف آمریکا، این پهنه، جهان متمدن آن روز شناخته می‌شد، و ایران در مرکز این تمدن جهانی قرار داشت.

۲. ایران سرزمینی است با تاریخ پیوسته سه هزار ساله، و اگر چه فراز و فرود بسیاری در دورزمان داشته، این تاریخ هرگز منقطع نشده و همواره تداوم داشته است.

۳. کورش کبیر، بنیان‌گذار امپراتوری ایران، نخستین کسی است که اندیشهٔ تأسیس دولت جهانی را در سر پروراند و بعدها اسکندر به تقلید از او در طلب تحقق این اندیشه برآمد.

۴. قریب به ۱۱۰۰ سال یعنی از ۵۴۷ قبل از میلاد تا ۶۵۲ میلادی، ایران یکی از دو قدرت بزرگ جهان بود. ایران و روم یکی در شرق و دیگری در غرب، جهان را به دو قلمرو تحت نفوذ خود تبدیل کرده بودند.

۵. نخستین دینی که یکتاپرستی را باب کرد در ایران پا گرفت. آئین زرتشت، اهورامزدا را به عنوان خداوندگار خرد و اندیشه و تنها خالق گیتی می‌دانست که در برابر او خداوند زشتی‌ها و پلشتی‌ها، یعنی اهریمن، ایستاده بود؛ و به همین روی، چنین تصوّر می‌رفت که روند طبیعی حیات تحت تأثیر دو نیروی نیک و بد یا خیر و شر قرار دارد. هر فرد مزدائی بنابر الزام و احکام شرعی، مکلف به نیکی و تبری از

زشتی و پلشتی است و در نتیجه با اعمال نیک خود، اهورامزدا را در نبرد با اهریمن یاری می‌دهد.

۶. ایران نخستین کشور در مشرق زمین است که با مغرب زمین ارتباط برقرار کرد. جنگ ایران و یونان در سال ۴۸۰ قبل از میلاد آن‌گونه که اسناد و مدارک نشان می‌دهد، نخستین جنگ بین شرق و غرب است.

۷. ایران هم‌چنین از دیرباز نقش پل ارتباطی در میان آسیا و اروپا داشته است و بی‌مناسبت نیست گفته شود که سهم عظیمی در نظام بخشیدن به مناسبات میان شرق و غرب داشته، تا هر یک در جایگاه شایسته خویش قرار گیرد. بدون حضور امپراتوری ایران در این میانه، مهاجمان استپ‌ها به اروپا هجوم می‌آوردند و از دیگر سوی، فاتحان غربی، ترکیب و شمایل شرق را آن‌گونه که امروز هست، دگرگون می‌کردند.

۸. تنها با توش و توان و نیروی محرکه هخامنشیان بود که دین زرتشت توانست حکیمی چون افلاطون را تحت تأثیر اندیشه‌های خود قرار دهد.

نظیر همین تأثیرگذاری را می‌توان نسبت به دین یهود مشاهده کرد که ذهنیت توحیدی یهودیت، متأثر از نگرش توحیدی دین زرتشت است.

۹. در سال ۶۵۲ میلادی پس از فتح ایران به دست اعراب، تاریخ این سرزمین ورق خورد، و برگی تازه در آن روی نمود و از آنجا که او نمی‌توانست دیگر یک امپراتوری یا یک ابر قدرت باشد، طریقی دیگر در پیش گرفت و در اندیشه ایجاد امپراتوری فرهنگی برآمد. از آن

پس، ایران در میان کشورهای که به نیروی اعراب گشوده شده و اسلام را به عنوان یک دین پذیرا شده بودند، با حفظ ویژگی های خود یک نیروی شاخص برقرار ماند و قدرت فرهنگی امروزینش را جایگزین نیروی سیاسی دیروزینش کرد.

۱۰. یکی از بارزترین تحوّل‌ها در ایران دوره اسلامی ظهور زبان فارسی دری در ۱۱۰۰ سال پیش است. این زبان هم‌چنان به صورت یکی از دیرینه‌ترین زبان‌های زنده در همه جهان بر جای مانده، بالیده و پرورده شده و شاخه‌های درخت تنومند آن گستره وسیعی از جهان را سایه افکن کرده است.

بی‌شماره کتاب به این زبان نوشته شده که برخی از آنها از جمله ارجمندترین و ماندگارترین آثار ادبی در جهان به شمار می‌آیند.

۱۱. همه شما درباره شاهنامه، حماسه عظیم ایرانیان، سخن شنیده‌اید. شاهنامه حماسه‌ای است که با ایلید و ادیسه و رامایانا که از جمله بزرگ‌ترین حماسه‌های جهانی‌اند، پهلو می‌زند و یا بر آنها برتری دارد. شاهنامه، به بسیاری از زبان‌های بزرگ ترجمه شده و در سراسر جهان شناخته شده است. به یاری شاهنامه است که می‌توان تصویری کامل از شیوه زیست ایرانیان در روزگار باستان داشت، و نیز ذهنیتی فراگیر از باورهایشان، بیم‌هایشان و امیدهایشان و افق‌های دیدشان به زندگی کسب کرد. شاهنامه اندرزگوی خرد و اندیشه است و خردورزی را به عنوان طریق زندگی پیشنهاد می‌کند. دعوت به اندیشه و خرد مبتنی بر رفتار همدلانه در میان مردمان است که این همدلی در اعماق فرهنگ ایرانیان ریشه دارد. از این منظر، شاهنامه را نباید تنها دفتر حوادث دانست که آئینه تمام‌نمای حیات ایرانی و اندیشه‌های اوست و به گوهر حیات و جوه مثبت زندگی ایرانیان پیوند

خورده است. شاهنامه در عین حال عظیم‌ترین کتاب ادبی ایران است و در میان یکی از چند انگشت‌شمار شاهکار جهانی جای دارد.

۱۲. از قرن یازدهم میلادی به بعد، ادبیات عرفانی در ایران شکوفا شد و به تدریج بخش اصلی اندیشه شاعران ایران را تشکیل داد. شیوه تفکر اشراقی جای تفکر منطقی و واقع‌گرایانه را گرفت و بدین گونه ایرانیان در قبال واقعیت‌های بیرونی به رزون درون سرکشیدند و تسلای خاطر خویش را در اندیشه تخیلی یافتند. این شیوه نگرش ناشی از ظهور فضای سیاسی و اجتماعی بسته‌ای شد که حاکمیت‌های مستبدانه و دیکتاتورمنشانه و تعصب مردم عامی زمینه‌ساز آن گشته بودند. از آنجا که امیدی به سامان دادن و نظام بخشیدن به حیات دنیوی نبود، مردم آزرده و آسیب دیده، پناه خویش را در قلمرو آسمان‌ها جستند.

عرفان ایرانی چون سیاره ماه می ماند: نیمی از آن در تاریکی است و نیمی دیگر در روشنائی. در حالی که در یک نیمه هر چه هست گذشت و فداکاری و معنویت است، نیمه دیگر آدمی را به قدری مسلکی و انفعال فرامی خواند.



ایرانیان در قلمرو فرهنگ، برخوردار از غنی‌ترین و دیرینه‌ترین میراث‌هایند. با وجود این دیرپائی فرهنگی، آنان شوق و علاقه‌ای به امروزی بودن و چشم به نوآوری‌های آینده دارند، و این دو نگرش، تقابل و تعارضی را موجب شده که راه حل و گریزگاهی می‌طلبد. ایران از جمله کشورهایی است که نگرش فرهنگی اش، بر سایر

شئون غالب بوده است. ایرانیان میراث‌دار سنت‌های دیرینه و ارزش‌های اخلاقی و آنچه بُن مایهٔ تاریخ خوانده می‌شود، هستند. به سخن دیگر، جریان تاریخی‌ای که از سه هزار سال پیش زمان گرفته است، جاری شده و رسوباتی از خود بر جای گذاشته که شخصیت مردم را شکل داده است.

بدین گونه است که از تاریخ ایران که حرف می‌زنیم، بیش از هر چیز تاریخ فرهنگ را در نظر داریم. ویژگی‌های اصلی تاریخ ایران را این‌گونه می‌توان برشمرد:

الف: در طول سه هزار سالی که از تاریخ مستمر ایران سپری شده، این قوم با فرازها و فرودهای بسیاری مواجه بوده. گسترهٔ ایران‌زمین به تکرار و در ادوار مختلف تغییر کرده است. حکومت‌ها و سلسله‌های مختلفی بر ایران حکم رانده‌اند و حتی گاه در مواردی عناصر خارجی بر این سرزمین حکومت کرده‌اند. آنان به عنوان مهاجم وارد این سرزمین شده، و به تدریج رنگ و لعاب ایرانی به خود گرفته و جذب فرهنگ ایرانی شده‌اند.

حتی آئین‌های دینی و زبان مردم این سرزمین در یکی دو مورد تغییر کرده. با این حال، به رغم همهٔ این زیر و زبر شدن‌ها، تداوم فرهنگی آن حفظ شده است.

ب: عامل ثانوی اثرگذار بر فرهنگ ایران، موقع جغرافیائی و آب و هوائی این سرزمین است. ایران گذرگاهی بین شرق و غرب و شمال و جنوب است. در نتیجه جریانات فرهنگی‌ای که از حوزهٔ اقیانوس آرام به قلمرو اقیانوس اطلس راه یافته و از بحرا حمر به دریای خزر رفت و آمد داشته، همه از قلمرو ایران عبور کرده است. این جابه‌جائی فرهنگی که چه در صلح و چه در جنگ پیش آمده ایران را به پل

ارتباطی و در موضع تبادل فرهنگ‌ها قرار داده و بر فرهنگ ایران اثر گذارده و به آن خصوصیتی چند وجهی بخشیده است. اکنون به موضوع آب و هوا و اقلیم می‌رسیم: همان‌گونه که اشاره شد، ایران دارای تنوع آب و هوای گسترده‌ای است. اگر چه وجه غالب آب و هوای ایران، تا حدّی به اعتدال روی دارد، امّا در مواردی شدّت سرما یا گرما بر بخشی از این سرزمین حاکم است و در شکل دادن فرهنگ و تمدّن آن نقش عظیمی داشته است. منظره کوهستان‌های برهنه و فاقد پوشش گیاهی، آسمان آبی درخشان بی ابر، شب‌های پرستاره و جویبارهای باریک و زمزمه‌گر که در سایه درختان پراکنده جاری هستند، خلق و خوئی تخیلی و رویائی به مردم این سامان بخشیده است. طبیعت ایران زیباست، امّا چندان پربار نیست. اگر چه فصول سال، به طور منظم و با خطّ فاصل مشخص در پی یکدیگر ظاهر می‌شوند، بارش باران به حدّ کفایت نیست؛ در نتیجه همواره آمیزه‌ای از عناصر پایدار و ناپایدار در قلمرو این کشور حضور دارند.

شرایط کلی و فراگیر این قلمرو آن‌چنان است که موجب شده که ایرانیان عمدتاً سر به دنیای درون داشته باشند و مردمی درون‌گرا و اشراقی‌اندیش شوند. اوستا، کتاب مقدّس ایران باستان، آگنده از نغمه‌های شبانی است، با این حال در روزگار امپراتوری هخامنشیان، ایران صاحب حکومتی قدرتمند شد، خود را نیرومند کرد تا امپراتوری‌ای بنا نهد و سازمان مدیریتی استوار و آگاهانه دایر کند که رو به زندگی داشته و کردارگرایانه باشد.

ج: سومین وجه شاخص فرهنگ ایران، نقش عظیمی است که ادبیات بر عهده دارد. دلیل اصلی شاخصیت ادبیات در ایران زمین آن است که بنابر اعتقادات اسلامی سایر شاخه‌ها ورشته‌های هنری نظیر موسیقی و نقاشی (بالاخص صورت‌گری و پیکره‌سازی) اموری غیر شرعی تلقی و منع می‌شدند. از آنجا که به ایران اسلامی اجازه داده نمی‌شد که عطش هنری خود را از چشمه‌ساران دیگر سیراب کند، همه‌اها تمام خویش را مصروف به ادبیات کرد و همه‌اها مهارت، استعداد و ذوق و قابلیت‌های ذهنی خویش را در خدمت زبان فارسی، بالاخص شعر قرار داد.

ادبیات نه تنها خلأ سایر هنرها را پر کرد، بلکه جولانگاهی شد برای بیان و ابراز بسیاری از آراء و اندیشه‌ها از جمله عرصه‌ای برای تجلی اخلاقیات، فلسفه و تاملات اجتماعی.

از آنجا که به فلسفه با چشم مساعد نگریسته نمی‌شد، فلسفه نیز در قالب ادبیات نمود کرد و به زئی ادبیات در آمد. به همین نسبت چون هیأت حاکم، زبان سیاسی و بیان مسائل سیاسی را خوش نمی‌داشت، ادبیات واسطه‌ای شد تا در قالب نمادها و استعاره‌ها، گریزگاهی برای بیان سیاسی بیابد.

گذشته از این آثار ادبی غالباً منابع قابل وثوقی از حقایق تاریخی هستند و بیش از خود تاریخ ارزش استفاده و ارجاع دارند؛ چه، تاریخ‌نگاران به طور اخص، فاقد آن آزادی‌ای بودند که حقایق را ثبت کنند و گذشته از آن، ابزارهای ثبت واقعی حوادث جاری را در اختیار نداشتند. والاترین اندیشه‌های ادبی ایرانی را در آثار عارفانه می‌توان یافت. در عرفان است که چشم‌اندازی از حیات دنیوی و اخروی مشاهده می‌شود و زمین و آسمان یا به اعتباری دنیا و آخرت و مادیت و

معنویت با یکدیگر آشتی می‌کنند و پلی می‌شوند در سازش بین دین و هنر و از این آشتی شاعرانی چون فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ ظهور می‌کنند و به ادبیات ایران زمین شهرت جهانی می‌بخشند. مردم ایران زمین در طول هزار سال با تحولات بسیاری مواجه بوده و شداید بسیاری را تحمل کرده‌اند. این تجربیات گونه‌گون و این تبدل هستی در شاهکارها و نیز در تمثیل‌ها و مثل‌ها نمود یافته است: اندیشه و ذهنیت یک پیکره بودن نوع بشر، برتری خرد و دانائی، برابری و برادری، توازن بین جسم و جان، قناعت و خوشنودی و استغنای نفس، همه و همه تجلی خود را در ادبیات یافته‌اند.

آوای پرطنین فرهنگ سنتی ایران زمین برخاسته از نایب‌ترین گاه نالیده و گاه نغمه سر داده که همه ریشه در تجربیات تلخ و شیرین این مردم دارند.

این نوا و این آوا، برخاسته از جان و روح انسانی است که در طلب کسب توازن جسم با روان است و نیز برخاسته از اندیشه‌ای در طلب توازن مغز با قلب.